

ژنو تا سانرمو: تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی

سید علی حسینی آزاد^{۱*}، مهشید آجلی لاهیجی^۲، مجید زحمتکش^۳

چکیده

حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی پس از انعقاد کنوانسیون دوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ برخلاف حقوق مخاصمات در خشکی، از بعد معاهده‌ای هیچ تحولی را تجربه نکرده است. هرچند بخشی از مقررات پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و از جمله کل بخش چهارم آن پروتکل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه دریایی نیز است. حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، از آنجا که بیشتر منابع آن، محصول سال‌های ابتدایی قرن بیستم بود، با پیدایش ابزارها و شیوه‌های نوین جنگ دریایی دیگر نمی‌توانست همپای پیشرفت فناوری در وسایل و ابزارهای جنگ دریایی پیش برود و به همین دلیل نیازمند توسعه و تدوین مقررات جدید است. با بررسی قواعد عرفی و بخشی از حقوق بین‌الملل نرم مشاهده می‌شود که به‌رغم نبود هنجارهای نوظهور معاهده‌ای در این زمینه، حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی تحولات و توسعه‌هایی را از سر گذرانده است. عمده‌ترین تحولاتی نیز در خصوص اقدامات احتیاطی پیش از حمله، مفهوم و مصداق هدف نظامی، نبرد در مناطق مختلف دریایی، هواپیماها و حمایت از محیط زیست دریایی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اصول راهنمای سانرمو، توسعه و تدوین، جنگ دریایی، حقوق بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
Email: saha_110@yahoo.co.uk

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

۳. پژوهشگر حقوق بین‌الملل و قاضی دادگستری، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

مقدمه

کنوانسیون دوم از چهار کنوانسیون ژنو که در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ منعقد شد، دربارهٔ بهبود شرایط مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا^۱ بود. این کنوانسیون، در واقع جایگزین کنوانسیون دهم ۱۹۰۷ لاهه در خصوص رعایت کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو در جنگ‌های دریایی است. کنوانسیون دوم ژنو به همراه کنوانسیون اول ژنو که مربوط به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در خشکی^۲ است، دارای مقرراتی مشترک‌اند و حتی در مواردی عباراتی مشابه دارند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). کنوانسیون دوم بسیار از حیث ساختار و محتوا شبیه کنوانسیون اول است. این کنوانسیون حاوی ۶۳ ماده است که منحصر به اعمال در جنگ در دریاست (ICRC, 2010, Online). این دو عهدنامه، هرچند با پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ تکمیل شد، اما برخلاف آنچه حقوق مخاصمات مسلحانه در خشکی به مدد پروتکل اول ۱۹۷۷ توانست توسعه یابد، حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی به همان کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ بسنده کرد و توسعه‌ای را تجربه نکرد. البته بخشی از مقررات پروتکل اول (بند ۳ ماده ۴۹) می‌تواند به تکمیل حمایت‌های ارائه شده توسط کنوانسیون دوم در خصوص اهداف غیرنظامی، کمک کند، اما باز هم به نظر می‌رسد مقررات موجود همپای تحولات مخاصمات مسلحانه دریایی پیش نمی‌رود و نمی‌تواند جوابگوی روش و ابزارهای جنگی کنونی و دیگر مسائل نوین معاصر باشد. بیشتر اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق جنگ در دریا محصول سال‌های ابتدایی قرن بیستم است (Sassoli et al., 2014: 2). در طول دو جنگ جهانی نیز رویکردهایی مغایر با کنوانسیون‌های لاهه اتخاذ شد و بیش از پیش رنگ متروک شدن بر چهره آنها نشانید. در طول جنگ فاکلند در سال ۱۹۸۲ مشکلاتی در خصوص استفاده از مناطق استثنائشده توسط طرف‌های مخاصمه و ممنوعیت مقرر در کنوانسیون دوم در خصوص استفاده از کدهای محرمانه توسط کشتی‌های بیمارستانی بروز کرد. علاوه بر آن، مخاصمات مسلحانه میان ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ موارد دیگری را در خصوص کشتی‌های غیرنظامی بی‌طرف و نیز استفاده از مین‌های زیردریایی نشان داد (Sassoli et al., 2014: 2). در این جنگ، که بزرگ‌ترین جنگ دریایی پس از جنگ جهانی دوم بود و به جنگ نفت‌کش‌ها معروف است، طرفین متخاصم و ناوهای جنگی آمریکایی اقدام به هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری یکدیگر در کنار کشتی‌های نظامی و گاه، کشتی‌های بی‌طرف می‌کردند؛ جنگی که سبب شد سایر دولت‌ها نیز متأثر شوند. دولت عراق با این کار قصد جلوگیری از صادرات نفت ایران را داشت و دولت‌های کویت و عربستان نیز از اقدامات او حمایت می‌کردند (O'Rourke, 1988). در این وضعیت نشانی از اجرای مقررات جنگ دریایی نبود.

1. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva, 12 August 1949.
2. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

این مسائل سبب شد که نشست‌هایی بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ توسط گروهی از حقوق‌دانان بین‌المللی و متخصصان دریانوردی (Doyle, Jr., 1998: 23) و مقامات بلندپایه دولتی از ۲۴ کشور به صورت غیررسمی و شخصی در مجموعه مذاکراتی تحت نظر انستیتوی بین‌المللی حقوق بشردوستانه^۱ در سانرمو و چند شهر دیگر^۲ آغاز شود. هدف از تشکیل این نشست‌ها بررسی مجدد حقوق بین‌الملل نوین در خصوص مخاصمات مسلحانه در دریا بود. در نهایت نتیجه هفت سال نشست و مذاکره این گروه، مجموعه موادی موسوم به «اصول راهنمای سانرمو در خصوص حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در دریا بود» که در سال ۱۹۹۴ توسط انتشارات کمبریج منتشر شد (Dowald-Beck, 1995). اصول راهنمای مزبور از نظر حقوقی سندی الزام‌آور نیست، اما از حیث اعتبار بسیار شایان توجه است و امروزه سند مرجع بسیار مهمی در حقوق جنگ دریایی است (Sassoli et al., 2014: 2) تا جایی که در مقدمه مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که جهت احراز قواعد عرفی حقوق بشردوستانه در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت، آمده است که «تصمیم بر آن شد که حقوق عرفی قابل اعمال در جنگ دریایی موضوع پژوهش حاضر نباشد، چراکه این حوزه از حقوق، اخیراً موضوع بررسی مجددی تحت عنوان اصول راهنمای سانرمو در خصوص جنگ دریایی بوده است. همچنین، قواعد کلی مندرج در اصول راهنما جهت ارزیابی ماهیت عرفی قواعد قابل اعمال در همه انواع مخاصمات بسیار ارزنده تلقی می‌شود» (Henckaerts & Dowald-Beck, 2005: xxxvi).

قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی به دو شکل ظهور یافته‌اند؛ دسته نخست، اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در خشکی است که در عملیات مسلحانه دریایی هم می‌تواند اعمال شود^۳، مانند اصل تفکیک و لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی و مفهوم اهداف نظامی؛ دسته دوم، قواعدی خاص این بخش از مخاصمات است که طبیعت خاص آنها، قواعد ویژه و منحصری را طلب می‌کند؛ مانند استفاده از مین‌های دریایی، مقررات حاکم بر کشتی‌ها، انواع مختلف مناطق دریایی و ...

از آنجا که اصول راهنمای سانرمو، در واقع تدوین قواعد عرفی بین‌المللی بود که پس از سال ۱۹۴۹ شکل گرفته بود، این مقاله درصدد بررسی این تحولات و مطالعه اصول راهنمای مزبور از حیث نظری در خصوص نوآوری‌هایی که به‌بار آورده، است.

1. International Institute of Humanitarian Law

۲. سانرمو در سال ۱۹۸۷، مادرید در سال ۱۹۸۸، بوخوم در سال ۱۹۸۹، تولون در سال ۱۹۹۰، برگن در سال ۱۹۹۱، اتاوا در سال ۱۹۹۲، ژنو در سال ۱۹۹۳ و آخرین نشست در لیورنو در سال ۱۹۸۹ برگزار شد.

(<https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/560?OpenDocument>)

۳. این مسئله در بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز بیان شده است.

اصول مخاصمات مسلحانه دریایی

عمده نوآوری‌های اصول راهنمای سانرمو در خصوص اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، به‌طور چشمگیری به مقرراتی مربوط می‌شود که در خصوص آثار و امکان اعمال مقررات منشور ملل متحد (به‌خصوص در مورد دفاع مشروع)، مفهوم اهداف نظامی، ارجاع به فعالیت‌های نظامی در مناطق دریایی (که در ابتدای قرن بیستم قانونمند نشده بود)، مقوله محیط زیست دریایی و موضوع هواپیماها مطرح شده است (Doswald-Beck, 1995: 196).

۱. اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی^۱

اصل تفکیک از اصولی است که قدمت زیاد دارد و بی‌تردید به مرتبه قاعده عرفی رسیده است و نمونه‌های آن را در اسناد بسیاری - از کد لایبر^۲ تا کنوانسیون‌های ژنو - می‌توان دید. این اصل با تصویب پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو، به‌طور صریح در ماده ۴۸ ذکر شد (Solis, 2010: 252). در این ماده آمده است: «به‌منظور تضمین احترام و حمایت نسبت به جمعیت و اهداف غیرنظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و نیز بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شده و در نتیجه باید عملیات خود را تنها متوجه اهداف نظامی کنند». به موجب این تعریف، جمعیت‌های دولت متخاصم به دو گروه تقسیم می‌شوند: نیروهای مسلح (رزمنده‌ها^۳) و جمعیت غیرنظامی (غیررزمنده‌ها^۴). هر گروه دارای حقوق و تکالیف منحصر و مشخصی در هنگام مخاصمات است و براساس تعریف، هیچ شخصی نمی‌تواند در آن واحد متعلق به هر دو گروه باشد (Thomas & Duncan, 1999: 481). بخش سوم اصول راهنمای سانرمو به این اصل دیرپا می‌پردازد و در بند ۳۹ بیان می‌دارد: «طرف‌های مخاصمات باید همواره میان غیرنظامیان یا دیگر افراد حمایت‌شده با رزمندگان و همچنین میان اهداف غیرنظامی یا مستثناشده‌ها^۵ با اهداف نظامی تمایز قائل شوند». به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، افرادی که جزء نیروهای مسلح نیستند و از ارتکاب هرگونه عمل نظامی اجتناب می‌کنند، باید در مقابل صدمات غیرتصادفی که از حملات نظامی

1. the principle of distinction

2. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863

The full text of Code is available at official website of ICRC as Follow:

<https://www.icrc.org/ihl/INTRO/110> (last visited on: 05/01/2019)

3. combatants

4. non-combatants

۵. منظور از مستثناشده‌ها، اهدافی است که به‌طور خاص در ماده ۴۷، در صورت حصول شرایط مقرر در ماده ۴۸

اصول راهنمای سانرمو از هدف حمله قرار گرفتن مستثناشده است، مانند کشتی‌های بیمارستانی و کشتی‌های مسافری.

مستقیم علیه نیروهای رزمنده و اهداف نظامی ناشی می‌شود، حمایت شوند. به عبارت دیگر، هدف حمله مستقیم قرار دادن افراد غیرنظامی و غیررزمنده‌ها، چنانچه این حمله به اهداف نظامی نامرتب باشد، ممنوع است (Thomas & Duncan, 1999: 481).

قید «حمله مستقیم» قیدی است که نه در کنوانسیون دوم ژنو آمده است و نه در پروتکل اول الحاقی. گمان می‌رود از آنجا که تعهد به تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، هنگام حملاتی که به طور غیرمستقیم غیرنظامیان را متأثر می‌سازد، ناکارآمد، غیرواقعی و غیرعملی است، این اصل به عنوان قاعده رفتاری و عرفی پذیرفته شده است که حمله باید «مستقیم» باشد. نکته شایان ذکر دیگر اینکه تصور می‌رود حقوق بین‌الملل عرفی قاعده‌ای را در خصوص جنگ‌های زمینی پذیرفته است که بتوان آن را به جنگ‌های دریایی نیز سرایت داد. براساس این قاعده، «انجام حمله صرفاً با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی ممنوع است». رویه دولت‌ها این قاعده را به عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی (در هر دو مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی) پذیرفته است (Henckaerts & Dowald-Beck, 2005: 8). این قاعده در کنوانسیون دوم ژنو ۱۹۴۹ نیامده است، اما به نظر می‌رسد از جمله تحولات نوین حقوق بشردوستانه باشد که در نهایت در بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ گنجانده شده است. به هر حال، منعی متصور نیست که این قاعده در حقوق جنگ دریایی نیز اعمال شود و به منزله قواعد عرفی نوین الزام‌آور به شمار آید. با این توضیح، دیده می‌شود که در بندهای ۱۱، ۲۲ و ۳۰ اصول راهنمای سانرمو نیز این مسئله مدنظر قرار گرفته است.

۲. اقدامات احتیاطی قبل از حمله

قواعد اصول راهنمای سانرمو در خصوص احتیاط در موقع حملات، مستقیماً از پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ گرفته شده است. اما براساس بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول باید گفت که آن قسمت از قواعد این پروتکل در جنگ دریایی نسبت به حملات کشتی به کشتی، کشتی به هوا و هوا به کشتی تا زمانی که این حملات اهداف غیرنظامی یا غیرنظامیان را در خشکی متأثر نسازد، اعمال نخواهد شد. اینکه مقررات پروتکل اول بر جنگ‌های دریایی اعمال شود یا خیر، محل اختلاف نظرهای بسیار بود^۱، اما در نهایت، شرط اعمال این قواعد بر جنگ دریایی، این بود

۱. بسیاری از هیأت‌های نمایندگی در کنفرانس تدوین پروتکل بر این نظر بودند که عبارت «در خشکی» (on land) حذف شود و استدلال آنها نیز این بود که این مقررات به طور کلی بر جنگ‌های دریایی و هوایی اعمال شود و از این طریق بر کارایی و سودمندی سند افزوده شود. این پیشنهاد در نهایت رد شد (ICRC, 1987: 605, para. 1893)، چراکه موافقان این عبارت که به عدم شمول کلی مقررات پروتکل بر جنگ‌های دریایی اعتقاد داشتند، نگران این بودند که با این عمل اقدام به بازنگری و تجدیدنظر در کنوانسیون دوم ژنو در خصوص جنگ دریایی نکنند. این دلیلی بود که عبارت «در خشکی» را در بند ۳ ماده ۴۹ ابقا کرد و جمله دوم آن بند که به صراحت

که اهدافی در خشکی از آن تأثیرپذیرند و در انتهای بند ۳ ماده ۴۹ آورده شد که مقررات مزبور تأثیری بر مقررات قابل اعمال در جنگ‌های دریایی نخواهد داشت (ICRC, 1987: 606, para. 1895). اما، بند ۴ ماده ۵۷ با اقدام تخصیص‌گونه، انجام اقدامات احتیاطی را در خصوص جنگ‌های دریایی نیز قابل اعمال می‌داند و سبب می‌شود که مواد ۸۷ و ۵۸ پروتکل اول الحاقی به‌عنوان یک حقوق معاهده‌ای نسبت به جنگ دریایی اعمال شود، چراکه هدف اصلی این ماده، تأمین بیشتر وضعیت غیرنظامیان است (فارغ از قرار گرفتن آنها در خشکی، در دریا یا در هوا) است (ICRC, 1987: 687, para. 2230).

بند ۴۶ اصول راهنمای سانرمو در مورد اقدامات احتیاطی است و به تفصیل حدود و چگونگی اتخاذ چنین اقداماتی را مشخص کرده است.

یکی از ایرادات وارده بر بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول این است که دقیقاً نمی‌تواند محدوده اعمال آن ماده را به‌خوبی نمایان سازد (ICRC, 1987: 687, para. 2230). حال، با نگاهی به عبارات پاراگراف ۴۶ اصول راهنمای سانرمو مشخص می‌شود که هرچند با تفصیل و دقت بیشتر به موارد لزوم اقدام احتیاطی پرداخته است و این به اجرای قواعد کمک می‌کند، اما باز هم این سند نتوانسته است دست به ارائه راهکاری عملی و سودمند بزند تا بتوان اعمال متخصصان در دریا را به‌خوبی تحت کنترل درآورد. استفاده مکرر از واژه «امکان‌پذیری»^۱ در این بند و اتکا به آن، بی‌شک بسیاری از مسائل و مشکلات را کاهش خواهد داد و به رفع ابهامات کمک خواهد کرد، چراکه ارزیابی عینی را ملاک قرار می‌دهد و وابسته به امور ذهنی نیست، این امر قضاوت در خصوص عمل انجام‌گرفته را آسان می‌سازد. اما باز هم در مواردی که عملیات دریایی در نواحی دریایی پر رفت‌وآمد همچون خلیج فارس صورت می‌گیرد، تعیین اینکه اهداف غیرنظامی در نواحی حمله وجود دارد یا خیر، تقریباً غیرممکن خواهد بود. شاید، ادعای کاپیتان ناو آمریکایی وینسنس^۲ - در صورت صحت - در حادثه هواپیمای مسافری ایرباس را بتوان گواهی بر این مدعا دانست. این‌گونه است که قواعد حقوقی اگر قاطعانه و دقیق نباشند، بی‌شک نمی‌توانند در صحنه عمل کارآمد باشند (Heinegg, 2006: 279).

۳. مفهوم اهداف نظامی^۳

۳.۱. توسعه مفهومی

بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به ارائه تعریفی برای اهداف نظامی می‌پردازد. طبق این ماده، هدف‌های نظامی، هدف‌هایی هستند که از نظر ماهیت، محل استقرار و

بیان داشت که تأثیری بر مقررات جنگ دریایی نخواهد گذاشت (ICRC, 1987: 606, para. 1895).

1. feasibility
2. USS Vincennes
3. military objectives

نحوه استفاده سهم مؤثری در عملیات نظامی دارند و تخریب و انهدام کامل یا قسمتی از آنها و ضبط یا خنثی کردن آنها، مزیت نظامی مشخصی را حاصل می‌کند و ماهیتاً متضمن نفع نظامی است. تخریب و انهدام این هدف‌ها با هر وسیله یا سلاح مجازی که صورت گیرد، از منظر حقوق بین‌الملل کاملاً مشروع و قانونی است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۸۲). تعریف مندرج در بند ۲ ماده ۵۲، کلمه به کلمه بعدها در اسناد متعددی تکرار شد. از جمله پروتکل دوم الحاقی سال ۱۹۹۹ به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه. این تعریف در اصول راهنمای سانرمو نیز مجدد بیان شد. بسیاری از حقوقدانان این تعریف را بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌کنند (Dinstein, 2002: 141; Meron, 1991: 64-65).

معرفی مفهوم اهداف نظامی، به نسبت آنچه در حقوق کلاسیک جنگ دریایی وجود دارد، شاید مهم‌ترین نوآوری و بخش عمده اصول راهنمای سانرمو باشد. همان‌طور که تعریف دقیقی از اهداف نظامی در حقوق موجود به عمل نیامده است، هنگام تدوین اصول راهنمای سانرمو نیز تعریف دقیق این مفهوم و تعیین اینکه کدام کشتی یا هواپیما داخل در این مفهوم می‌شوند، کاری پیچیده بود.

هنگام تدوین اصول راهنمای سانرمو موضوع مزیت نسبی تعریف‌های کلی یا تعریف‌های مبتنی بر بیان مصادیق یا ترکیبی از آن دو محل بحث بود. به پندار برخی حقوقدانان روشی که در اصول راهنما برای تعریف هدف نظامی پیش گرفته شده، همانا ترکیبی از تعریف کلی و بیان مصادیق بود. این روش بهترین شیوه است و توان بسیاری در رفع ابهامات و روشن کردن تعهدات دارد. در واقع به‌زعم اینان، بهترین شیوه می‌توانست تعریفی ترکیبی باشد که عبارت است از بیان مختصر به‌همراه بیان غیرحصری مصادق‌هایی متقن و بارز (Dinstein, 2002: 142). از این‌رو مشاهده می‌شود که مفهوم هدف نظامی از حیث نظری توسعه یافته و بسیار دقیق‌تر بیان شده است.

۳.۲. توسعه مصادیقی

قرن بیستم، معرف ابزارهای نوین جنگ دریایی مانند زیردریایی‌ها و هواپیماها بود. پیشرفت‌های پدیدآمده، اعمال قواعد و مقررات حقوق کلاسیک را با مشکل مواجه می‌کرد. هرچند در پروتکل ۱۹۳۶ لندن^۱ تصدیق شد که زیردریایی‌ها نیز تابع مقررات کلاسیک مربوط به کشتی‌های در سطح آب هستند، در عمل انطباق قواعد موجود با ابزارهای جدید مشکل‌ساز بود (Robertson, Jr., 1991: 368).

۱. این پروتکل بخش چهارم از دومین معاهده دریایی ۱۹۳۰ لندن است و در پی توسعه‌های پدیدآمده در صنعت جنگ‌افزار دریایی به‌منظور محدود کردن سلاح‌های دریایی منعقد شد و به عملیات زیردریایی‌ها و دیگر کشتی‌های جنگی نسبت به کشتی‌های تجاری می‌پردازد (The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, 1991: 480).

در حقوق کلاسیک، تنها کشتی‌هایی که می‌توانستند مورد حمله قرار گیرند، ناو جنگی متحارب و نیروهای کمکی آنها بودند، اما اقدامات نظامی متعددی می‌توانست علیه نیروهای دریایی متحارب و دولت بی‌طرفی که به اقدامات جنگی دشمن کمک می‌کند، انجام گیرد. در خصوص مورد اخیر، انهدام کشتی‌های کمک‌رسان تنها در موقعیت‌های خاص و در شرایط معین مجاز بود. به‌طور خاص، امکان حمله به کشتی‌های تجاری دشمن نیز تنها در صورتی که مانع بازدید، بازرسی یا توقیف می‌شد، وجود داشت و تنها در صورتی می‌شد آن را پس از توقیف منهدم کرد که امکان اسکورت آن تا بندر وجود نداشت و همه مسافران، خدمه و اسناد مهم کشتی نیز خارج می‌شدند و به محل امنی انتقال می‌یافتند (Pictet, 1960: 158). در مورد کشتی‌های بی‌طرف نیز در صورت حمل قاچاق یا در مواقعی که مظنون به کارهای مخالف با اصل بی‌طرفی باشند، امکان توقیف وجود داشت و تنها نیروی قهری مجاز علیه آن، وادار کردن کشتی به تمکین در برابر بازرسی و بازدید بود و صرفاً در صورت سرپیچی مستمر امکان غرق کردن آنها وجود داشت (Doswald-Beck, 1995: 198).

در خصوص کشتی‌های جنگی، کشتی‌های تجاری تبدیل‌شده^۱ و هواپیماهای نظامی که از حق اقدامات نظامی دریایی برخوردارند، بحثی نیست، چراکه اینها اهداف نظامی‌اند که بدون اخطار قبلی و در هر زمان و مکان در منطقه جنگ دریایی می‌توانند مورد حمله قرار گیرند، غرق یا توقیف شوند (Heinegg, 2009: 498). وضعیت این کشتی‌ها در حقوق کلاسیک روشن شده است. مسئله مورد مناقشه، بیشتر مربوط به کشتی‌های تجاری است، اما مستقیماً به اقدامات نظامی دشمن کمک می‌کنند.

تعریف ماده ۵۲ پروتکل اول از هدف نظامی، هرچند به لحاظ نگارش آسان و قابل فهم است، اما هنگام تفسیر و اعمال - به‌خصوص در مورد ابزارهای مجاز جنگی - حالتی پیچیده پیدا می‌کند (ICRC, 1987: 635, para. 2016). اصول راهنمای سانرمو در خصوص تعریف اهداف نظامی، همان تعریف ماده ۵۲ پروتکل اول را لحاظ کرده و قصد تدوین‌کنندگان این بوده است که مقررات پروتکل در آن قسمت، نسبت به جنگ دریایی نیز اعمال شود. با وجود این، همان‌طور که گفته شد، تعریف یادشده با تحولات نوین سازگاری نداشته و لازم بود قدری دقیق‌تر به موضوع نگرینسته شود. هدف تدوین‌کنندگان اصول راهنما این بوده است که با نیم‌نگاهی که به مقررات گذشته دارند، تجویز حملات علیه کشتی‌های تجاری را که مستقیماً به اقدامات نظامی دشمن کمک می‌کنند، تا حد ممکن محدود سازند (Doswald-Beck, 1995: 199). از این‌رو شرکت‌کنندگان در نشست‌های تدوین اصول راهنما، به‌خصوص تعریف مقرر در ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به

۱. منظور از کشتی‌های جنگی تبدیل‌شده، کشتی‌هایی تجاری هستند که به‌عنوان کشتی جنگی تغییر عملکرد داده‌اند و بخش هفتم کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه با موضوع تبدیل کشتی‌های تجاری به کشتی‌های جنگی، به این دسته کشتی‌ها می‌پردازد (آرژ پور، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳: ۱۲ - ۱۱).

کنوانسیون‌های ژنو را انتخاب کردند که به مشارکت هدف موردنظر در «اقدامات نظامی»^۱ دشمن اشاره دارد. برخلاف فرمولی که در کتابچه ایالات متحده تحت عناوینی چون «جنگ‌افروزی»^۲ یا «قابلیت پشتیبانی از جنگ»^۳ استفاده شده بود. بیشتر شرکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که کتابچه مزبور به توسعه‌های جدید در حقوق در زمینه تفکیک میان اهداف که بعد از جنگ دوم پدید آمده است، توجهی ندارد (Doswald-Beck, 1995: 199).

مقررات سانرمو به‌گونه‌ای طراحی شده است تا به وسایل نوظهور جنگی و مفهوم دقیق ضرورت نظامی بپردازد. بنابراین، علاوه بر تعریف کلی مذکور در بند ۴۰ که همان تعریف ماده ۵۲ پروتکل اول بود، این اصول راهنما، با بیان مصادیق به ذکر فعالیت‌ها یا اقداماتی می‌پردازد که معمولاً کشتی‌ها یا هواپیماهای تجاری را به یک هدف نظامی مبدل می‌کند. براساس بند ۶۰ اصول راهنما، فعالیت‌های زیر کشتی‌های تجاری دشمن را به هدف نظامی تبدیل خواهد کرد:

(الف) مشارکت در فعالیت‌های جنگجویانه از طرف دشمن؛ برای مثال، مین‌گذاری، مین‌روبی، قطع کردن کابل‌ها و لوله‌های زیر دریا، مشارکت در بازدید و بازرسی کشتی‌های تجاری بی‌طرف یا حمله به دیگر کشتی‌های تجاری؛

(ب) فعالیت به‌عنوان نیروی کمکی نیروهای مسلح دشمن؛ مانند حمل سرباز و تدارکات برای کشتی‌های جنگی؛

(ج) مشارکت در یاری رساندن به نظام جمع‌آوری اطلاعات نظامی دشمن؛ برای مثال، مشارکت در شناسایی، اعلام خطر کردن و دیدبانی، یا سردستگی، کنترل و پیشبرد مأموریت‌ها؛

(د) دریانوردی همراه با گروه کشتی‌های جنگی یا هواپیماهای نظامی دشمن؛

(ه) امتناع از دستور توقف یا مقاومت سرسختانه در برابر بازدید، بازرسی یا توقیف؛

(و) مسلح بودن به‌حدی که بتوانند به یک کشتی جنگی صدمه بزنند؛ سلاح‌های شخصی سبک برای دفاع از پرسنل از این بند مستثناست؛

(ز) هرگونه مشارکت مؤثر در عملیات نظامی؛ مانند حمل محموله‌های نظامی. در حقوق کلاسیک تنها شق «ه» از این بند، می‌توانست حمله به کشتی‌های تجاری را مجاز کند. در ضمن در اعمال مقررات مذکور، هیچ تفاوتی میان جنگ‌های محلی، کوتاه‌مدت یا وسیع‌تر و طولانی‌تر وجود ندارد. این معنی توسط قواعد کلی حقوق بشردوستانه نیز تصدیق می‌شود که از این حیث قائل به تمایزی نیست (Doswald-Beck, 1995: 200).

در خصوص کشتی‌های دولت بی‌طرف، اصول راهنمای سانرمو به‌رغم مخالفانی که بود، به راه حقوق کلاسیک رفت و دیدگاه موسع مخالفان را نپذیرفت. اما اصول راهنمای مزبور، در این

1. military action
2. war-fighting
3. war-sustaining capability

خصوصاً، قدری سهل‌گیرانه‌تر از حقوق کلاسیک است و حمله به برخی کشتی‌های بی‌طرف را مجاز می‌داند؛ به‌خصوص آن دسته از کشتی‌هایی که مرتکب اقداماتی می‌شوند که مخالف با اصول بی‌طرفی مندرج در اعلامیه لندن^۱ است.

بنابراین، اصول راهنمای سانرمو بیان می‌دارد: «کشتی‌های تجاری که پرچم دولت‌های بی‌طرف را برافراشته باشند مورد حمله قرار نخواهند گرفت، مگر اینکه:

الف) براساس دلایلی معقول تصور رود که حمل قاچاق می‌کنند یا محاصره‌های دریایی را نقض می‌کنند، و پس از اخطارهای قبلی به‌عمد از توقف سر باز می‌زنند یا عمداً و به‌وضوح مانع بازدید، بازرسی یا توقیف می‌شوند؛

ب) در اعمال جنگجویانه از طرف دشمن مشارکت می‌کنند؛

ج) به‌عنوان امدادرسان برای نیروهای مسلح دشمن فعالیت می‌کنند؛

د) وارد نظام جمع‌آوری اطلاعات نظامی دشمن می‌شوند یا به آنها کمک می‌کنند؛

ه) دریانوردی تحت همراهی کشتی‌های جنگی یا هواپیماهای نظامی دشمن دریانوردی می‌کنند؛

ز) هرگونه سهم مؤثر در اقدامات نظامی دشمن داشته باشند، مانند حمل محموله‌های نظامی.

حمله ممکن نخواهد بود تا زمانی که مسافران و خدمه به جایی امن منتقل شوند و تا زمانی که شرایط اقدام به حمله را اجازه نمی‌دهد، حمله‌کننده‌ها متعهدند اخطار دهند و مکرر این کار را

انجام دهند و دیگر احتیاط‌های لازم را مبذول دارند» (San Remo Manual, 1994: para. 67)

شق «ز» از این بند باید به‌طور مضیق تفسیر شود و باید همیشه این را مدنظر داشت که علی‌القاعده اصل بر این است که کشتی‌های بی‌طرف را نباید مورد حمله قرار داد (Doswald-Beck, 1995: 201).

نوآوری دیگر که حقوق عرفی نوین موجب آن بوده و در اصول راهنمای سانرمو نیز آمده است، فهرست کشتی‌هایی است که اختصاصاً از حمله معاف یا مستثنا شده‌اند. هرچند اصولاً همه کشتی‌ها تا زمانی که هدف نظامی نباشند، از هدف حمله قرار گرفتن مستثنا هستند، با وجود این ارائه فهرستی از کشتی‌هایی که به‌طور خاص مستثنا شده‌اند، بسیار بدیع و کارآمد خواهد بود. اغلب استخراج قواعد در خصوص استثناهای برخی کشتی‌ها از هدف حمله قرار گرفتن، از مقررات کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های

1. London Declaration concerning the Laws of Naval War, Feb. 26, 1909

کنوانسیون دوازدهم لاهه ۱۹۰۷ که مربوط به دادگاه غنایم جنگی بود، در ماده ۷ بیان می‌داشت که دادگاه قواعد عام به رسمیت شناخته‌شده را در خصوص غنایم اعمال خواهد کرد. از آنجا که انحرافات در آن خصوص دیده شد، سران ده کشور قدرتمند در ۱۹۰۹ در لندن گرد هم آمدند و اعلامیه‌ای در خصوص تدقیق قاعده مزبور در جنگ‌های دریایی صادر کردند که عمده مندرجات این اعلامیه نیز برآمده از رویه و تصمیمات دادگاه مذکور بود، اما در نهایت به‌دلیل آنکه مجلس اعیان بریتانیا این اعلامیه را تصویب نکرد، سایر دول حاضر در کنفرانس نیز به تصویب آن نپرداختند.

ژنو مستفاد می‌شود. به موجب این دو سند، کشتی‌های بیمارستانی، قایق‌های کوچک که در عملیات نجات از آنها استفاده می‌شود و دیگر وسایل حمل‌ونقل پزشکی، وسایلی هستند که به‌خصوص مستثنا شده‌اند (The Geneva Convention II, 1949, art. 24 & 25; Additional Protocol II, 1977, art. 22). کنوانسیون شمارهٔ یازده لاهه ۱۹۰۷، کشتی‌هایی را که مأموریت مذهبی، علمی غیرنظامی یا نوع‌دوستی دارند، کشتی‌های کوچک ماهیگیری ساحلی و لنج‌های کوچک را که به تجارت محلی می‌پردازند، مستثنا کرده بود (Hague Convention No. XI of 1907). به فهرست‌های مذکور، کشتی‌هایی که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی از حمله - و نه از توقیف - مستثنا هستند (مانند کشتی‌های مسافربری که افراد غیرنظامی حمل می‌کنند)، کشتی‌هایی که تسلیم‌شده‌ها در آن‌اند و قایق‌های نجات اضافه شده است. دسته‌هایی جدید از کشتی‌هایی که باید مستثنا از حملات باشند، حاصل حقوق نوین است که نشان از توسعهٔ رو به جلو حقوق جنگ دریایی دارد و عبارت‌اند از: کشتی‌هایی که به‌طور انحصاری برای واکنش‌ها و اقدامات علیه آلودگی‌های پدیدآمده در محیط زیست دریایی طراحی و به این امر اختصاص داده شده‌اند (Doswald-Beck, 1995: 202).

با نگاهی به اصول راهنمای سانرمو، مشخص می‌شود که این فهرست بسیار گسترده‌تر شده و در فهرست بند ۴۷ اصول مزبور، کشتی‌هایی گنجانده شده است که در حقوق کلاسیک به هیچ عنوان وجود نداشت.

به موجب بند ۴۷ اصول راهنمای سانرمو، «کشتی‌های دشمن که از حملات مستثنا هستند، عبارت‌اند از:

الف) کشتی‌های بیمارستانی؛

ب) کشتی‌های کوچک که برای عملیات آزادسازی ساحلی و دیگر حمل‌ونقل‌های درمانی استفاده می‌شود؛

ج) کشتی‌هایی که به موجب توافق دو طرف درگیری وضعیت امن به آنها اعطا شده است، شامل:
۱. کشتی‌های اسرا؛ یعنی آن دسته شناورهایی که به‌منظور حمل‌ونقل اسرای جنگی طراحی شده است یا در این امر مشارکت می‌کنند؛

۲. کشتی‌هایی که در مأموریت‌های بشردوستانه مشارکت دارند، از جمله شناورهایی که آذوقه‌های ضروری برای بازماندگان جمعیت غیرنظامی حمل می‌کنند، و کشتی‌ها و شناورهایی که در اقدامات امدادی و عملیات آزادسازی مشارکت دارند؛

د) کشتی‌هایی که در حمل‌ونقل اموال فرهنگی دارای حمایت خاص مشارکت دارند؛

ه) کشتی‌های مسافربری تا زمانی که به حمل‌ونقل مسافران غیرنظامی بپردازند؛

و) کشتی‌های اختصاص‌داده‌شده به مأموریت‌های دینی، علمی غیرنظامی و نوع‌دوستی. کشتی‌هایی که حاوی اطلاعات علمی باشند که بتوان از آنها استفادهٔ نظامی کرد، مورد حمایت نیستند؛

ز) کشتی‌های کوچک ماهیگیری ساحلی و قایق‌های کوچکی که مشغول تجارت محلی ساحلی باشند. اما آنها تحت امر فرماندهان دریایی متخاصمان که در محدوده عملیات انجام می‌دهند و همچنین مشمول بازرسی‌ها هستند؛
ح) کشتی‌هایی که منحصراً برای مقابله با آلودگی‌های پدیدآمده در محیط زیست دریایی طراحی شده یا به این امر اختصاص یافته باشند؛
ط) کشتی‌هایی که تسلیم شده‌اند؛ و
ی) قایق‌های نجات».

فعالیت‌های نظامی در مناطق مختلف دریایی

۱. ایجاد مناطق خاص^۱ در مخاصمات مسلحانه دریایی

یکی از بخش‌های نوین و بسیار بدیعی که در حقوق عرفی جنگ دریایی ظهور یافته و بخشی از اصول راهنمای سانرمو نیز به آن اختصاص داده شده است، بحث در خصوص ایجاد مناطق خاص در هنگام مخاصمات دریایی است. با این توضیح که دولت‌های متخاصم منطقه‌ای از دریا را به‌عنوان منطقه ممنوعه یا منطقه عملیات معرفی کرده و وضعیت آن را به‌گونه‌ای فوق‌العاده تعیین می‌کنند (Fenrick, 1986: 92). به موجب بند ۱۰۵ اصول راهنما، کشور متخاصم نمی‌تواند با ایجاد مناطقی که بر استفاده قانونی از نواحی تعیین‌شده دریایی اثر سوء می‌گذارد، خود را از تعهدات حقوقی بشردوستانه رها کند.
این امر در اصول راهنما گنجانده شد و از بحث‌برانگیزترین بخش‌های آن بود. این بخش در واقع حاصل مصالحه‌ای بود بین آن دسته از شرکت‌کنندگانی که اصولاً با برقراری چنین منطقه‌ای مخالف بودند و آن را غیرقانونی می‌دانستند و آن دسته که قائل به شناسایی حقوق گسترده‌تری برای متخاصمان در چنین مناطقی بودند (Doswald-Beck, 1995: 204).

۲. مناطق مختلف دریاها هنگام مخاصمات مسلحانه دریایی

حقوق جنگ دریایی به لحاظ محل بروز مخاصمه و درگیری، قابلیت تأثیرپذیری زیادی از حقوق بین‌الملل دریاها دارد. حقوق دریاها قلمرو مکانی اعمال حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها را در گستره دریاها و اقیانوس‌ها تحت تأثیر خود قرار داده و بدین‌وسیله، بازنگری حقوق سنتی

1. Zones

در خصوص این مناطق از اصطلاحاتی مانند مناطق ممنوعه (exclusion zones)، مناطق عملیات (operations zones)، مناطق عملیات دریایی (maritime operations zones) نیز استفاده می‌شود که هنگام تدوین پیش‌نویس نهایی اصول راهنمای سانرمو نیز مورد بحث واقع شد و در نهایت به واژه ساده مناطق (Zones) اکتفا شد.

جنگ دریایی را ضروری ساخته است (زمانی، ۱۳۷۵: ۱۱). بنابراین، موضوع دیگری که در مخاصمات مسلحانه دریایی مطمح نظر قرار می‌گیرد، آن دسته فعالیت‌های نظامی است که در مناطق مختلف دریایی انجام می‌گیرد و در جست‌وجوی این پاسخ باید بود که آیا همچون زمان صلح، در مخاصمات نیز نظام‌های حقوقی متفاوتی بر مناطق مختلف حاکم است یا خیر.

تعیین نظام حقوقی حاکم بر مناطق دریایی در کنوانسیون دوم ژنو صورت نگرفته است و هنگام تدوین پیش‌نویس اصول راهنمای سانرمو نیز حاضران در نشست‌ها دو دسته شدند. اقلیت بر این عقیده بودند که در منطقه انحصاری اقتصادی و همچنین فلات قاره نباید اقدامات نظامی صورت گیرد. اما اکثریت بیان می‌داشتند که به منظور اهداف اقدامات نظامی، این مناطق نیز باید به مثابه آب‌های آزاد تلقی شود. اما عمده مباحث حول بحث توجه شایسته به منافع دول بی‌طرف می‌شد که باید توسط متخاصمان رعایت شود (Doswald-Beck, 1995: 204).

اصول راهنمای مزبور مناطق دریایی را به تفکیک مورد توجه قرار داده است. براساس بند ۳۴ در خصوص منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره: «چنانچه اقدامات خصمانه در منطقه انحصاری اقتصادی یا در فلات قاره یک دولت بی‌طرف صورت گیرد، دول متخاصم باید علاوه بر رعایت دیگر قواعد قابل اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه در دریا، توجه مقتضی به حقوق و تعهدات دولت ساحلی، از جمله در خصوص اکتشاف و استخراج منابع اقتصادی منطقه انحصاری و اقتصادی و فلات قاره و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی داشته باشند. همچنین آنها باید ملاحظات لازم را در خصوص جزایر مصنوعی، تأسیسات، سازه‌ها و حریم ایمنی ایجادشده توسط دول بی‌طرف در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره داشته باشند». همچنین، اگر دولت متخاصم به این نتیجه برسد که در منطقه انحصاری اقتصادی یا در فلات قاره دولت بی‌طرف، کار گذاشتن مین ضروری است، طرف متخاصم باید آن دولت را مطلع سازد و از جمله، باید تضمین کند که اندازه میدان مین و نوع مین‌های استعمال‌شده برای جزایر مصنوعی، منصوبات و تأسیسات خطری ندارد و دسترسی به آنها را مختل نمی‌سازد. همچنین باید ملاحظات شایسته به حمایت از محیط زیست دریایی صورت گیرد (San Remo Manual, 1994: para. 35).

مسئله دیگر، موضوع اقدامات خودیاری است که یک طرف متخاصم در مواقعی که طرف دیگر از آب‌های سرزمینی بی‌طرف به‌عنوان جایگاه یا پایگاه عملیات خود استفاده می‌کند، ممکن است در این منطقه اتخاذ کند. حقوق سنتی، به‌وضوح دولت متخاصم را مجاز می‌ساخت که هر اقدامی را که به‌منظور برطرف کردن موقعیت لازم می‌دانست، انجام دهد. تصور می‌رود که این امر مبنای عرفی داشت. شرکت‌کنندگان در نشست‌های تدوین اصول راهنمای سانرمو در این خصوص، دو دسته شدند؛ گروهی تمایل به ابقای حق مزبور داشتند و برخی دیگر بر این باور بودند که آب‌های سرزمینی دولت بی‌طرف باید به کلی مصون از این‌گونه اقدامات باشد. در نهایت حق خودیاری مزبور ابقا شد، اما با حصول شرایطی خاص. راه میانه‌ای که پیموده شد،

این بود که دولت متخاصم باید به دولت بی طرف ساحلی این فرصت را بدهد تا خود او به رفع موقعیت پیش آمده بپردازد و سعی در پاکسازی دریای سرزمینی خود از نیروی دولت متخاصم دیگر بکند، و زمانی و تا حدی به عمل خصمانه دست بزند که برای حفظ امنیت خود او لازم است (San Remo Manual, 1994: para. 22). توضیحاً بیان می شود که مناطق بی طرف دریایی دولت بی طرف شامل آب های داخلی، دریای سرزمینی، آب های مجمع الجزایری دولت بی طرف و فضای هوایی مذکور آنها می شود. هرگونه اقدام نظامی توسط متخاصمان در این مناطق ممنوع است (San Remo Manual, 1994: paras. 14 & 15).

در خصوص دریاهای آزاد و بستر دریاها در ماورای صلاحیت دولت ها نیز اصول راهنمای سانرمو بیان می دارد که اقدامات خصمانه در دریاهای آزاد باید با توجه کافی به اعمال حقوق دول بی طرف در اکتشاف و استخراج منابع طبیعی بستر دریا، کف اقیانوس ها، و زیر بستر آنها در ماورای صلاحیت ملی انجام گیرد (San Remo Manual, 1994: para. 36). متخاصمان باید مراقب باشند که از ایراد خسارت به کابل ها، خطوط لوله مستقر در کف دریاها که منحصراً متعلق به متخاصمان نیستند، دوری کنند (San Remo Manual, 1994: para. 37).

از بعد عملی نیز باید گفت که تا پیش از اصول راهنمای مزبور جامعه بین المللی نتوانسته بود با جدیت اقدام به شناسایی قاعده عرفی مبنی بر جریان یافتن حقوق جنگ دریایی در دریاهای آزاد کند. اما اصول راهنمای سانرمو پرده از این قاعده عرفی برداشت که حقوق جنگ دریایی در دریاهای آزاد نیز اعمال خواهد شد. نمونه عملی آن را در خصوص حمله نیروهای اسرائیلی به ناوگان حامل کمک های بشردوستانه موسوم به کاروان آزادی، می توان بیان کرد. از آنجا که اسرائیل طرف کنوانسیون حقوق دریاها نبود و تعهدی مبنی بر غیرنظامی کردن دریاهای آزاد را براساس کنوانسیون احساس نمی کرد، این سؤال پیش آمد که آیا اعمال حقوق جنگ دریایی در دریاهای آزاد و رعایت حقوق بشردوستانه در آن منطقه نیز ضروری است. در چنین وضعیتی، شورای حقوق بشر ملل متحد در این خصوص با استناد به اصول راهنمای سانرمو حمله و توقیف کشتی مزبور را غیرقانونی اعلام می کند (Human Rights Council, 2010: para. 50). این در حالی بود که مقامات ارشد اسرائیل مبانی حقوقی لازم برای محاصره غزه را نیز از جمله شامل اصول راهنمای سانرمو می دانستند (IDF Chief Military Advocate General Staff, 2010: 43).

حمایت از محیط زیست دریایی

محیط زیست دریایی، براساس مقررات مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو مصوب ۱۹۷۷ و همچنین طبق کنوانسیون ۱۹۷۷ انمود^۱، در ظاهر، وارد

1. Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD), signed at Geneva on 18 May 1977

محدوده حمایتی حقوق مخاصمات مسلحانه شد. در سال‌های پس از تنظیم این اسناد، حمایت از محیط زیست طبیعی در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی چندان مورد توجه نبود. تنها پس از وقوع خسارات عظیمی که به محیط زیست دریایی در خلیج فارس در طی جنگ عراق و کویت وارد آمد، موضوع حمایت از محیط زیست دریایی نظر جامعه بین‌المللی و حقوقدانان بین‌المللی را به خود جلب کرد (Heinegg & Donner, 1994: 281).

با توسعه‌های پدیدآمده در حقوق بین‌الملل محیط زیست، نظام حقوقی دریاها نیز از آن متأثر شد، اما باز هم یکی از مباحثی که در کنوانسیون دوم ژنو در خصوص مخاصمات در دریا وجود نداشت، حمایت از محیط زیست دریایی بود. این امر، بعدها در قالب ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، در خصوص حمایت از محیط زیست، به صورت عام، به رسمیت شناخته شد. اما باید توجه داشت که ماده ۵۵ مقرره‌ای مشروط بوده و کاربرد آن در مورد جنگ دریایی تابع بند ۳ ماده ۴۹ است، یعنی به شرطی اجرا می‌شود که جمعیت یا اهداف غیرنظامی مستقر در خشکی متأثر شوند (زمانی، ۱۳۷۵: ۲۸). بنابراین، تعهدی کلی به حمایت از محیط زیست در زمان جنگ دریایی هیچ‌گاه وجود نداشته است تا اینکه در نشست‌های مربوط به اصول راهنمای سانرمو ادعای وجود چنین قاعده عرفی شد. در نهایت، این مقوله در پیش‌نویس نهایی اصول راهنمای سانرمو گنجانده شد.

بند ۱۱ اصول راهنمای مزبور بیان می‌دارد: «طرف‌های متخاصم تشویق می‌شوند که توافق کنند تا هیچ اقدامات خصمانه‌ای در نواحی دریایی که شامل موارد زیر باشد، صورت نگیرد: الف) زیست‌بوم‌های نادر و شکننده؛

ب) زیست‌بوم گونه‌های تقلیل‌یافته، در معرض تهدید یا در معرض خطر یا دیگر اشکال حیات دریایی».

مقررۀ مندرج در بند ۱۱ اصول راهنما، هرچند حالتی تشویقی دارد، اما همان چیزی است که در بند ۵ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آمده است. با این تفاوت که در کنوانسیون حالتی عام داشته و اصول راهنما مختص زمان درگیری‌های مسلحانه در دریاست. همچنین، قاعده کلی در خصوص حمایت از محیط زیست دریایی در مخاصمات مسلحانه در دریا را می‌توان در بند ۴۴ دید که بیان می‌دارد: «ابزارها و روش‌های جنگی باید براساس توجه مقتضی به محیط زیست طبیعی و با رعایت قواعد ذی‌ربط حقوق بین‌الملل به کار گرفته شود. ایراد خسارت یا تخریب محیط زیست طبیعی با ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نیست و ارتکاب با بی‌مبالاتی آن، ممنوع است». بنابراین دیده می‌شود که اصول راهنمای سانرمو تعهدات حمایت از محیط زیست را در زمان مخاصمات مسلحانه به‌نحوی دقیق و جامع بیان داشته که اگر آن قواعد، همان‌طور که در مقدمه گفته شد، برآمده از حقوق بین‌الملل عرفی دانسته شود، مشاهده خواهد شد که در زمینه حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات

مسلحانه، تحولات شگرف و عمیقی در حقوق مخاصمات مسلحانه (به طور عام) و حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی (به طور خاص) به نسبت آنچه در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ وجود داشت، رخ داده است.

در نهایت، هر چند نتایج حاصله در اصول راهنمای سانرمو به حدی نبود که متخصصان حقوق محیط زیست تمایل داشتند (زمانی، ۱۳۷۵: ۲۹)، با این حال اجازه و مجال تفسیرهای بعدی را در جهت توسعه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست به نحوی انعطاف‌پذیر موجب می‌شود.

هواپیماها

یکی دیگر از نوآوری‌هایی که حقوق عرفی و در پی آن اصول راهنمای سانرمو با خود به ارمغان آورده، پرداختن به بحث در خصوص هواپیماها در جنگ‌های دریایی است. همان‌طور که مشخص است، اصول راهنمای سانرمو، حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه در دریا را مدنظر دارد، اما این امر اجتناب‌ناپذیر است که حتی در جنگ‌های دریایی نیز استفاده از هواپیماها ناگزیر بوده و در نتیجه پرداختن به آن لازم است و بررسی جنگ دریایی بدون پرداختن به هواپیماها به ارائه بررسی‌های غیرواقعی منجر خواهد شد. از طرف دیگر، واضح و مبرهن است که مقررات در خصوص هواپیماها در اصول راهنمای سانرمو به هیچ وجه به عملیات هوایی در خشکی اشاره ندارد.

در حقوق کلاسیک مقرراتی در خصوص استثنای هواپیماهای دشمن از حمله وجود دارد. برای مثال، در کنوانسیون ۱۹۰۶ ژنو چنین استثنایی در مورد هواپیماهای بیماربر^۱ وجود دارد (Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in)^۱ Armies in the Field. Geneva, 6 July 1906, Arts. 6 and 17. همچنین در مقررات ۱۹۲۳ لاهه در خصوص جنگ هوایی ردپایی از چنین قاعده‌ای می‌توان دید (The Hague Rules of)^۲ Air Warfare, 1923, Art. XVII. در پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز تنها به هواپیماهای پزشکی^۳ اشاره شده است. بنابراین مشخص است که وصف و حدود دقیقی از هواپیماهای مصون از حمله نمی‌توان در حقوق موجود تا زمان اصول راهنمای سانرمو دید.

تا اینکه، بند ۵۳ اصول راهنمای سانرمو، سه دسته از هواپیماهای دشمن را از حمله مستثنا می‌کند: هواپیماهای پزشکی، هواپیماهایی که به موجب توافق میان طرفین دارای وضعیت ایمن شده‌اند و خطوط هوایی کشوری. براساس اصول راهنمای سانرمو، چنانچه هریک از این سه دسته

1. flying ambulances

۲. شایان ذکر است که این سند هیچ‌وقت توسط دولت‌ها، حتی دولت‌های شرکت‌کننده در کمیسیون تدوین آن، به تصویب نرسید (Hanke, 1993: 19).

3. medical aircraft

هوایپماها وارد عملیاتی شوند که با وضعیت آنها ناسازگار است، از شمول استثنا خارج می‌شوند. اصول راهنمای مزبور در این حالت با جمع شرایط زیر مجوز حمله به آنها را می‌دهد: «الف) انحراف برای فرود، بازرسی و تفتیش و توقیف احتمالی ممکن نباشد؛ ب) هیچ راه دیگری برای اعمال کنترل نظامی بر آن نباشد؛ ج) وضعیت عدم انطباق به حدی شدید باشد که هوایپما را به هدفی نظامی تبدیل کند یا منطقاً بتوان چنین فرض کرد؛ و د) تلفات و خسارات جانبی با مزایای نظامی حاصله یا مورد انتظار نامتناسب نباشد» (San Remo Manual, 1994: para. 57).

اصول راهنما در خصوص دیگر هوایپماهای غیرنظامی دشمن نیز بیان می‌دارد که این هوایپماها تنها در حالتی می‌توانند مورد حمله واقع شوند که هدف نظامی باشند و برای روشن ساختن این امر خود اصول راهنما دست به ارائه فهرستی از فعالیت‌هایی می‌زند که این هوایپماها را به هدف نظامی تبدیل می‌کند (San Remo Manual, 1994: para. 63).

قواعد راجع به حملات احتمالی به هوایپماهای غیرنظامی دول بی‌طرف بسیار محدودتر است. هرچند عبارت «مشارکت مؤثر در حمله نظامی دشمن داشته باشد» در فهرست گنجانده شده است، اما تنها مثالی که ارائه شده موضوع حمل ادوات نظامی است، (San Remo Manual, 1994: para. 67(f)) و در ادامه شرایطی محدودتر و دقیق‌تر بیان شده است که عبارت‌اند از: «پس از هشدار دادن یا جلوگیری از آنها، این هوایپماها به‌طور عمدی و به‌روشنی از تغییر مسیر استنکاف کنند یا اینکه عمداً و به‌وضوح از فرود آمدن در فرودگاه متخاصمانی که برای این نوع هوایپما امن بوده و منطقاً قابل دسترس باشد، به‌منظور بازرسی و تفتیش امتناع کند» (San Remo Manual, 1994: para. 70).

روشن‌ترین اشاره به قواعد هوانوردی غیرنظامی در بخشی از اصول راهنما تحت عنوان «احتیاط نسبت به هوایپمای غیرنظامی» دیده می‌شود. بنابراین، هرچند قواعد عام در خصوص اقدامات احتیاطی در حمله در این اصول راهنما موجود است، اما قواعد خاص در خصوص اقدامات احتیاطی در مورد هوایپماهای غیرنظامی نیز موجود است تا بتوان از حمله به هوایپماهای غیرنظامی جلوگیری کند. این اصول از اصول راهنمای ایکائو مربوط به اقدامات ایمنی در خصوص فعالیت‌های نظامی مخمل عملیات هوایپماهای غیرنظامی^۱ اخذ شده است و نشان می‌دهد نمونه قواعد عرفی در این زمینه است. مقررات مزبور، ابزارهای متعددی را ارائه می‌دهد که موجب بهبود و افزایش توانایی و احتمال شناسایی صحیح هوایپماهای غیرنظامی می‌شود و این امر از مراودات بهتر میان نیروهای نظامی و خدمات ترافیک هوایی و استفاده درست از هشدارهای خطاب به خلبانان حاصل می‌شود.

1. Manual Concerning Safety Measures Relating to Military Activities Potentially Hazardous to Civil Aircraft Operations, ICAO Doc. 9554-AN/932 (1990).

نتیجه گیری

حقوق بین الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، دیگر منحصر به کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ ژنو نبوده و توسعه‌هایی را در قالب حقوق نرم و سخت تجربه کرده است. حقوق بین الملل عرفی حاکم بر موضوع گواه آن است که نظام هنجاری مخاصمات مسلحانه دریایی در زمینه‌های مختلفی همچون اصول بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه، نظام‌های حقوقی حاکم بر مناطق دریایی، حقوق محیط زیست دریایی، حقوق بی طرفی، استفاده از هواپیما در عملیات جنگ دریایی و... توسعه یافته و شاهد وجود هنجارهای الزام آور نوینی است.

اصول راهنمای سانرمو، فارغ از منشأ پیدایش و ماهیت تدوین کنندگان آن در طی بیست و اندی سال که از تدوین آن می‌گذرد، نشان داده است که صرف نظر از اینکه گویای هنجارهای عرفی نوظهور بوده و در واقع تحولات پدیدآمده را معرفی کرده است، خود فی نفسه سرمنشأ تحولاتی جدید است، چراکه با بیان روشن و دقیق، هم به روشن سازی حقوق عرفی کمک کرده است و هم نظر به اعتبار و جایگاه آن در رویه بین المللی دولت‌ها و سازمان‌هایی نظیر کمیته بین المللی صلیب سرخ، توانسته است به منزلتی دست یابد که الگویی برای تدوین مقررات و قواعد، چه در عرصه داخلی و چه بین المللی، باشد. این اصول راهنما، تنها سند جامع بین المللی است که از سال ۱۹۱۳ به بعد در خصوص مخاصمات مسلحانه دریایی تدوین شده و توانسته است بر برخی مقررات در خصوص جنگ دریایی داخلی کشورها، مانند دستورالعمل نظامی دولت آلمان، تأثیر گذارد و بی تردید در آینده نیز دستورالعمل‌های نظامی دیگری از آن متأثر خواهند شد. بنابراین، این اصول راهنما می‌تواند کمک شایانی به یکپارچه کردن عملکردها در جهت شکل گیری حقوق بین الملل عرفی کنونی بکند و نیز راهی در جهت ایجاد بنیادهای استوارتر برای معاهدات آتی احتمالی در خصوص موضوع تلقی شود.

اصول راهنمای سانرمو، همان طور که برخی حقوقدانان گفته‌اند، امتزاجی دقیق از حقوق معاهده‌ای، ملاحظاتی قضایی و حقوق بین الملل عرفی است (Stephens & Fitzpatrick, 1999: 589) که می‌توان در سایه آن ارزیابی متعادلی از ماهیت عملکرد دولت‌ها به عمل آورد. از این رو، حقوق بین الملل نوین در خصوص مخاصمات مسلحانه دریایی، به خوبی از مفاد آن قابل استخراج است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، *حقوق بین الملل بشردوستانه*، تهران: گنج دانش.

ب) مقالات

۲. آرش‌پور، علیرضا (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، «مسئله عبور کشتی‌های جنگی از مناطق مختلف دریایی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۳۰ و ۳۱.
۳. زمانی، سید قاسم (۱۳۷۵)، «حقوق جنگ دریایی و تحولات جدید»، مجله سیاست دفاعی، ش ۱۷.

۲. انگلیسی

A) Books

4. Heinegg, Heintschel von, (2009), "the Law of Armed Conflict at Sea", in: Dieter Fleck, *The Handbook of International Humanitarian Law*, London, Oxford University Press.
5. Henckaerts, Jean-Marie and Dowald-Beck, Louise, (2005), *Customary International Humanitarian Law*, vol. I (Rules), Cambridge, Cambridge University Press.
6. International Committee of the Red Cross, (1987), *Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions*, Leiden/Boston, Martinus Nijhoff Publishers.
7. Meron, Theodor, (1991), *Human Rights and Humanitarian Norms as Customary Law*, USA, Clarendon Press.
8. Pictet, Jean S., (1960), the Geneva Conventions of 12 August 1949; Commentary, Geneva, ICRC.
9. Sassoli, Marco, Antoine A. Bouvier and Anne Quintin, (2014), *How Does Law Protect In War?*, Volume I, Geneva, ICRC.
10. Schindler, Dietrich and Toman, Jiri (eds), (2004), *The Laws of Armed Conflicts: A Collection of Conventions, Resolutions and Other Documents*, 4th ed., Leiden/Boston, M. Nijhoff.
11. Schindler, Dietrich and Toman, Jiri, (1988), *the Laws of Armed Conflicts*, Leiden/Boston, Martinus Nijhoff Publisher.
12. Solis, Gary D., (2010), *the Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War*, Cambridge, Cambridge University Press.
13. Thomas, A.R. & Duncan, James C. (1999), *Annotated Supplement to The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations*, Newport, Rhode Island, Naval War College.

B) Articles

14. Dinstein, Yoram (2002), "Legitimate Military Objectives Under the the Current Jus in Bello", *International Law Studies series*, Vol. 78.
15. Doswald-Beck, Louise (1995), "The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea", *The American Journal of International Law*, Vol. 89, No. 1.
16. Doyle, Jr., James H., (1998), "International Law and Naval Operations", *Int'l L.*

Stud. Ser. US Naval War Col, Vol. 72.

17. Fenrick, William J., (1986), "The Exclusion Zone Device in the Law of Naval Warfare", *CAN. Y.B. INT'L L.*, Vol. 24.
18. Hanke, Heinz M. (1993). "The 1923 Hague Rules of Air Warfare - A contribution to the development of international law protecting civilians from air attack", *International Review of the Red Cross*, Vol. 33.
19. Heinegg, Wolff Heintschel von, (2006), "The Current State of The Law of Naval Warfare: A Fresh Look at the San Remo Manual", *Int'l L. Stud. Ser. US Naval War Col.*, Vol. 82.
20. Heinegg, Wolff Heintschel von, & Michael Donner, (1994), "New Developments in the Protection of the Natural Environment in Naval Armed Conflicts", *German Y.B. Int'l L.*, Vol. 37.
21. O'Rourke, Ronald (1988), "the Tanker War", *US Naval Institute, Proceedings* Vol. 114/5/1,023.
22. Robertson, Jr., Horace B., (1991), "Modern Technology and the Law of Armed Conflict at Sea", *International Law Studies series*, Vol. 64.
23. Stephens, D.G. & Fitzpatrick, M.D., (1999), "Legal Aspects of the Contemporary Naval Mine Warfare", *Loy. L.A. Int'l & Comp. L. Rev.* Vol. 21.
24. The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, in: Robertson, Jr., Horace B. (1991), *International Law Studies*, Vol. 64

C) Main Documents

25. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.
26. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva, 12 August 1949.
27. Convention (X) for the Adaptation to Maritime Warfare to the Principles of the Geneva Convention. The Hague, 18 October 1907.
28. Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD), signed at Geneva on 18 May 1977
29. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863
30. London Declaration concerning the Laws of Naval War, Feb. 26, 1909,
31. Manual Concerning Safety Measures Relating to Military Activities Potentially Hazardous to Civil Aircraft Operations, ICAO Doc. 9554-AN/932 (1990).
32. Human Rights Council, Report of the international fact-finding mission to investigate violations of international law, including international humanitarian and human rights law, resulting from the Israeli attacks on the flotilla of ships carrying humanitarian assistance, 27 September 2010, UN A/HRC/15/21
33. IDF Chief Military Advocate General Staff, Avichai Mandelblit's testimony to the Turkel Committee: Public Commission to Examine the Maritime Incident of May 31, 2010, Session Number 4, 26 August 2010

D) Websites

34. Official Website of ICRC: <https://www.icrc.org/eng/war-and-law/treaties-customary-law/geneva-conventions/overview-geneva-conventions.htm>
35. Official Website of ICRC: <https://ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Treaty.xsp?action=openDocument&documentId=5B310CC97F166BE3C12563F6005E3E09>
36. [https://www.usnwc.edu/Research---Gaming/International-Law/New-International-Law-Studies-\(Blue-Book\)-Series/International-Law-Blue-Book-Articles.aspx?Volume=64](https://www.usnwc.edu/Research---Gaming/International-Law/New-International-Law-Studies-(Blue-Book)-Series/International-Law-Blue-Book-Articles.aspx?Volume=64)
37. ICRC, The Geneva Conventions of 1949 and their Additional Protocols, 29-10-2010 Overview, at: <https://www.icrc.org/eng/war-and-law/treaties-customary-law/geneva-conventions/overview-geneva-conventions.htm> (last visited on: 02/01/2019)